

آن روز چون غروب فرا رسید، عیسی به شاگردان خود گفت: «به آن سوی دریا برویم 36». آنها جمعیت را ترک گفتند و عیسی را در همان قایقی که بود، با خود بردند. چند قایق دیگر نیز او را همراهی می‌کرد 37. ناگاه تندبادی شدید برخاست. امواج چنان به قایق برمی‌خورد که نزدیک بود از آب پر شود 38. اما عیسی در عقب قایق، سر بر بالشی نهاده و خفته بود. شاگردان او را بیدار کردند و گفتند: «استاد، تو را باکی نیست که غرق شویم؟ 39» عیسی برخاست و باد را نهیب زد و به دریا فرمود: «ساکت شو! آرام باش!» آنگاه باد فرو نشست و آرامش کامل حکمفرما شد 40. سپس به شاگردان خود گفت: «چرا این چنین ترسانید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟ 41» آنها بسیار هراسان شده، به یکدیگر می‌گفتند: «این کیست که حتی باد و دریا هم از او فرمان می‌برند!»



عیسی به قایق کوچکی رفت و شاگردان او را همراهی می‌کردند. این کار را درست قبل از غروب آفتاب انجام دادند که در واقع خطرناک ترین زمان در دریای جلیل است. در این زمان باد بر دره های کوه ها وزید و توانست در دریاچه کوچک در چند دقیقه یک طوفان خروشان ایجاد کند. قایقی که آنها استفاده می کردند بسیار کوچک بود. من یک بار چنین قایقی را از زمان عیسی در موزه ای در اسرائیل دیدم. در واقع بسیار کوچک بود. در مقایسه با طوفان قدرتمند دریای جلیل، این قایق مانند پوسته ی گردو است. این تصویر عیسی با شاگردانش در یک قایق کوچک در موقعیتی تهدیدآمیز قابل توجه است و تصادفی نیست. از یک طرف، داستان ۳ آموزه را به ما نشان می دهد:

- اول، پیروی از عیسی خطرناک است و قدرت عیسی در این شرایط همیشه واضح نیست.
- دوم، این داستان به ما نشان می دهد که عیسی کیست
- و در بخش سوم این داستان به ما نشان می دهد که عیسی طوفان های نهایی قلب را نیز آرام می کند.

این تصویر تهدید کننده که عیسی مسیح با شاگردانش را در توفان نشان می دهد، یک الگو برای کل کلیسا است. عیسی که مشغول به خواب در میان خطر مرگ بزرگ بود، چالشی برای ما به عنوان یک کلیسا است. تازه قبل از آن داستان شاگردان چیزهای معجزه آسایی را با عیسی تجربه کرده بودند. عیسی در کل روز سخنرانی کرده بود. کلمات او گناه و دروغ های انسانی را پاک کرد. مثل مه که از طریق خورشید ناپدید شود، نور عیسی تاریکی انسانی را کاملاً پاک کرد. از طریق عیسی و کلام او، خدا در میان مردم واضح و آشکار بود. حقیقت و عشق او قانع کننده بود. سپس عیسی بیماران را شفا داد. و با این حال همه چیز نمی توانست برای همیشه همینطور ادامه یابد. شاگردان بایستی از عیسی پیروی می کردند. به اعماق قایق و به اعماق طوفان رفتند. و خیلی زود با تصویری روبرو می شویم که همه ما به نوعی می شناسیم. عیسی به خواب فرو رفت و شاگردان از ترس می لرزیدند. شاگردان عیسی ماهیگیر بودند. آنها دقیقاً می دانستند در چنین شرایطی چه کاری باید انجام دهند. آنها ضد توفان جنگیدند و مبارزه کردند. آنها از تمام دانش و تجربه خود استفاده کردند. و هنوز کافی نبود. آب به قایق وارد شد و برای همه روشن بود که شاگردان با عیسی غرق خواهند شد. دانش بشری و قدرت انسانی محدودیت دارد. قدرت انسانی برای حفظ زندگی کافی نیست. در طول این زمان عیسی در خواب بود. مانند تمام داستان ها از عیسی، این داستان هم تصادفی نیست. آنچه در این قایق برای شاگردان رخ داده است، شهادتی است نه تنها به این شاگردان، بلکه به کلیسای آینده در دنیا. این که عیسی در میان خطر مرگ بزرگ مشغول به خواب بود، چالشی برای ما به عنوان کلیسا است. ما چه کاری انجام می دهیم، وقتی عیسی را نمی بینیم؟ این تصویر از افرادی که در پریشانی عمیق هستند و احساس می کنند خدا در این پریشانی غایب هست، جدید نیست. مزمور ۴۴، ۲۴ تا ۲۵ دعایی در چنین شرایط است. «۲۴ چرا روی خود را پنهان می کنی و ستمدیدی و مظلومیت ما را به یاد نمی آوری؟ ۲۵ زیرا جان ما به خاک خم شده، و شکم ما به زمین چسبیده. ۲۶ برخیز و به یاری ما بیا؛ به خاطر محبت

خود ما را فدیه ده.» داستان عیسی که در میان خطر بزرگی می خوابد ، برای ما به عنوان یک کلیسا چالش بزرگ است. اگر مانند شاگردان هر کاری که در توان ما است انجام داده باشیم اما این همچنان برای نجات ما کافی نباشد، چه باید کنیم؟ داستان عیسی و شاگردانش به ما نشان می دهد که ایمان ما و کلیسا همیشه تحت تاثیر تهدید قرار دارند. ما تنها اوقات خوبی با عیسی نداریم، جایی که کلام او به وضوح به ما ارائه می شود، بلکه گاهی اوقات ما دیگر نمی توانیم عیسی و قدرت او را ببینیم. گاهی ما مانند شاگردان هستیم که هر چه آب بیرون می ریزیم، آب بیشتر به داخل می آید و ما نمی توانیم بر آن غلبه کنیم. وقتی همه چیز خیلی ناامید کننده به نظر می رسد، در واقع به خدا شک می کنیم. چرا خدا کاری نمی کند؟ چرا همیشه پنهان می ماند؟ ...

«استاد، تو را باکی نیست که غرق شویم؟»

سختی هایی که شاگردان تجربه کرده اند آنها را به شک انداخت. عیسی، که بسیاری از مردم را شفا داده و برای بسیاری از نیازمندان دارای قلب باز بود، در زمان که شاگردانش نزدیک به مرگ بودند در خواب بود. آنچه شاگردان آموختند مهم است. این داستان نشان می دهد که ما مسیحیان واقعا در بسیاری از نقاط زندگی مان خدا را نمی بینیم. او از چشم ما و احساسات ما پنهان است. این یک مشکل برای ایمان ما است. و بسیاری از انسان ها در این وضعیت ایمان را گم می کنند. داستان عیسی مسیح که در قایق می خوابد می خواهد به ما نشان دهد که چالش مان غیر معمولی نیست. خدا گاهی اوقات اجازه می دهد تا از موقعیت های بسیار سختی عبور کنیم. عیسی خود می گوید: «در دنیا برای شما زحمت خواهد بود؛ اما دل قوی دارید، زیرا من بر دنیا غالب آمده‌ام.» واژه آلمانی برای ترس **Angst** در اصل از کلمه "angu" گرفته شده است. این واژه به معنی تنگ است. واژه تنگ کاملاً خوب توصیف می کند چه چیزهایی در این جهان تجربه می کنیم. اگر دچار بیماری شوم، یا اگر کارم را از دست بدهم، یا اگر من از اداره فدرال جواب ردی بگیرم، آن تجربه عرصه ای تنگ برای من است. من نمیتوانم رهایی از این وضعیت ببینم. در این احساس تنگ و مبهوت کننده، ایمان به خدا وجود ندارد. ما مانند شاگردان در دریا هستیم و چشم ها فقط به خطر وحشتناک باز می شود! اما خدا در این وضعیت وجود دارد. با وجود این که در زمان نیاز بزرگ، خدا دیده نمی شود، او وجود دارد. عیسی می گوید: «در دنیا برای شما زحمت خواهد بود؛ اما دل قوی دارید، زیرا من بر دنیا غالب آمده‌ام.» در داستان طوفان ، عیسی به ما نشان می دهد که چگونه این اتفاق می افتد. عیسی در تمام فاجعه دریایی آرام بود. او به خدا دعا نمی کرد. او حتی سعی نمی کرد شاگردان را آرام کند. نه، او فقط در قایق کوچک ایستاد و گفت. «ساکت باش!» و دریا بسیار آرام شد. در آن لحظه، ترس شاگردان از طوفان به ترس از عیسی مسیح تبدیل شد. اول، شاگردان عیسی پرسیدند: «چرا کاری انجام نمی دهی؟» ولی آنها اکنون در مورد عیسی می پرسند:

«او کیست؟ که حتی باد و دریا هم از او اطاعت می کنند!»

این سوال آخر شاگردان مهم است. این سوال در مورد خود عیسی است؟ این همچنین سؤال مهم کلیسای ما است. عیسی کیست؟ و با چه کسی در کلیسا سر و کار داریم؟ موضوع کلیسا ما افراد باهوش و حتی یک میراث فرهنگی نیست! کلیسای ما به میزان موفقیت ما بستگی ندارد. یا اینکه به چه چیزی می توانیم دست یابیم. مهم نیست چقدر آب می توانیم از قایق بیرون بریزیم. نه، سوالی که بالاتر از زندگی ما، کلیسای ما و همه قرار دارد، در نهایت این سوال است: «عیسی کیست؟ که حتی باد و دریا از او اطاعت می کنند!» عیسی کیست؟

او کسی است که باد و امواج از او اطاعت می کنند. اوست که بالاتر از همه بود و هست و می ماند. که دنیا و عالم را در دست دارد. اگر این عیسی تمام هستی را در دست دارد، پس حتماً بیشتر از آن کلیسای خود را حفظ خواهد کرد. عیسی از شاگردان و بی ایمانی آنها شگفت زده شد. شاگردان از عیسی شگفت زده شدند. معجزه به تنهایی باعث نمی شود به عیسی ایمان بیاورند زیرا معجزات همیشه مبهم هستند. معجزه روح القدس قلب ها و اسرار کتاب مقدس را بسیار بیشتر می گشاید تا این شاگردان همه چیز را بفهمند. من مطمئن هستم که این شاگردان دلایل کافی برای ترسیدن در آینده نیز داشتند. احتمالاً وسوسه های زیادی نیز وجود داشتند. ما مسیحیان بخشی از جهان هستیم. و ما نمی توانیم خود را از طوفان ناامیدی، ترس و عدم ایمان محافظت کنیم. گاهی اوقات صدای ناامیدی می شنویم: «خدا کجاست؟» در کوه گلگوتا، عیسی آخرین کلمه خود را در مورد همه این طوفان ها گفت. تمام امواج نفرت و مخالفت با خدا در این کوه جمع شده بود. تمام شبهات من و گناهان بسیار من نیز بر کوه گلگوتا بود. داستان کوه گلگوتا داستان زیبایی نیست، در عوض داستانی بود که در آن همه طوفان های جهان بر سر یک نفر فرود آمده بود. و سپس کلمه دیگری از خداوند ما عیسی آمد. این آخرین کلمه خداوند ما عیسی بود: «تمام شد!»

امروز همه دوباره با هم از این کلیسا بیرون خواهیم رفت. نمی دانیم این هفته چه اتفاقی برای ما خواهد افتاد. حتی کمتر می توانیم بگوییم که در سال آینده یا سال های بعد چه اتفاقی خواهد افتاد. بدون شک، شرایطی شبیه به شاگردان عیسی را خواهیم دید. هیچ چشم انداز نجاتی در اطراف ما وجود نخواهد داشت. و سپس من می خواهم که عیسی این کلمات را بر زندگی من بیان کند: «تمام شد! آرام باش!» در نهایت، هدف خداوند ما عیسی این است که این آخرین و بزرگترین طوفان قلب ما را آرام کند. در نهایت، تمام اقدامات عیسی برای زنده ماندن از این طوفان است. طوفان دریاچه جلیل می خواهد همه اینها را به ما نشان دهد. نشان دهد که ما به عنوان یک کلیسا و به عنوان مسیحی باید با ترس مبارزه کنیم. و آن داستان نشان می دهد که عیسی در خواب هنوز با دست مراقب خود بالای سر ما ایستاده است. و سوم اینکه ما بر آخرین طوفان زندگی خود غلبه خواهیم کرد. سپس با پل گرهارد می خوانیم: «با وجود غرُش دریا و صدای باد، ستایش شما هرگز محو نخواهد شد. اعمال تو، ای خداوند بزرگ و توانا، قدرت خود را به وضوح به ما نشان می دهد.» آمین.